



فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی

رابطه سبک فرزندپروری والدین با هوش هیجانی و پرخاشگری دختران نوجوان

کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران
استادیار گروه روانشناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

مریم خسروی ^{id}
جمال صادقی* ^{id}

دریافت: ۹۹/۰۷/۰۴ | پذیرش: ۹۹/۱۰/۰۸ | ایمیل نویسنده مسئول: Jamalsadeghi48@yahoo.com

فصلنامه علمی پژوهش خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷
<http://Aftj.ir>
دوره ۱ | شماره ۳ | صص ۱۵۳-۱۳۸
پاییز ۱۳۹۹

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:
درون متن:
(خسروی و صادقی، ۱۳۹۹)

در فهرست منابع:

خسروی، مریم، و صادقی، جمال. (۱۳۹۹).
رابطه سبک فرزندپروری والدین با هوش
هیجانی و پرخاشگری دختران نوجوان. فصلنامه
خانواده درمانی کاربردی، ۱(۳): ۱۵۳-۱۳۸.

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف تعیین رابطه سبک فرزندپروری والدین با هوش هیجانی و پرخاشگری دختران نوجوان انجام شد. روش پژوهش: روش این پژوهش همبستگی و جامعه آماری آن ۱۱۴۹ نفر از دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه شهرستان آمل در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۸-۹۷ بود که تعداد ۲۳۴ نفر به شیوه تصادفی طبقه‌ای انتخاب و به پرسشنامه‌های شیوه‌های فرزندپروری والدین بامریند (۱۹۷۳)، هوش هیجانی شوت (۱۹۹۸) و پرخاشگری باس و پری (۱۹۹۲) پاسخ دادند. داده‌های حاصل به روش تحلیل پیرسون و رگرسیون چند متغیره با نرم افزار SPSS۲۱ تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها: نتایج نشان داد بین سبک فرزندپروری والدین با هوش هیجانی و پرخاشگری در دختران رابطه وجود دارد ($P=0/01$)؛ همچنین بین سبک فرزندپروری والدین با هوش هیجانی و بین سبک فرزندپروری والدین با پرخاشگری در دختران رابطه وجود دارد ($P=0/01$). نتیجه‌گیری: سبک فرزند پروری والدین می‌تواند هم دارای نقش حمایتی باشد و هم دارای نقش غیر حمایتی که پیامد به‌کارگیری آن می‌تواند بر تحول و رشد کودک در زمینه هوش هیجانی و بروز پرخاشگری مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها: سبک فرزندپروری والدین، هوش هیجانی، پرخاشگری

مقدمه

راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی^۱ از مشخصات بارز اختلال سلوک در کودکان از پرخاشگری و ناسازگاری در روابط بین فردی نام می برد که مشکلات رفتاری بین فردی، رفتاری و هیجانی مختلفی را برای این کودکان و خانواده های آنان ایجاد می کند (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). روانشناسان اجتماعی پرخاشگری را به صورت آسیب رساندن عمدی به دیگران و خشونت را نیز مبادرت کنشی عمدی برای آسیب رساندن جسمانی به دیگران تعریف می کنند (فرجاد و محمدی اصل، ۱۳۸۷). نتایج پژوهش ها نشان داده است که پرخاشگری از شاخص های مهم پاره ای از اختلالات روانی مانند اختلال سلوک و اختلال شخصیت ضداجتماعی به شمار می آید (گنجی، ۱۳۹۷). همچنین رفتار پرخاشگرانه با بیماری های جسمانی مانند بیماری قلب و عروق و سردرد تنشی نیز در ارتباط است (بارانه و فالیسارد، ۲۰۱۸). علاوه بر این، پژوهش های دیگر نشان می دهد که افراد پرخاشگر نسبت به سایرین از نظر شیوه تفکر متفاوت هستند، آنها راهبردهای مثبت کمتری نسبت به افراد دیگر ارائه می دهند، بیشتر اطمینان دارند که راهبرد پرخاشگرانه سازگارانه تر است و این طور قضاوت می کنند که راهبردهای پرخاشگرانه کمتر باعث آسیب می شود (زارعی، حیدری، محمودی نودژ، عسکری و محمدی، ۱۳۹۳).

پرخاشگری یکی از مسائل مهم در دوران دانش آموزی است و به عنوان یک مشکل شدید و رو به افزایش در میان نوجوانان و جوانان شناخته شده است؛ در حال حاضر پرخاشگری یک مسأله اجتماعی و یکی از موضوعات اساسی بهداشت روانی به حساب می آید (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). مشاهده جهان اطراف نشان می دهد که این مشکل رفتاری در بین همه انواع جانداران، طبقات اجتماعی- اقتصادی و مراحل مختلف سنی دیده می شود؛ مسائل مرتبط با خشم مانند رفتارهای مقابله ای، خصومت و پرخاشگری از علل اصلی مراجعه نوجوانان و جوانان به مراکز مشاوره و روان درمانی است (گنجی، ۱۳۹۷). عدم مهار رفتار پرخاشگرانه علاوه بر اینکه باعث ایجاد مشکلات بین فردی و جرم و بزه و تجاوز به حقوق دیگران می شود، ممکن است درون ریزی شود و باعث انواع مشکلات جسمی- روانی مثل زخم معده، سردردهای میگرنی و افسردگی گردد (نیکولسون، ۲۰۱۳).

انجمن روانپزشکی آمریکا (۲۰۱۳) پرخاشگری را رفتار قابل مشاهده که به قصد آسیب رساندن به دیگران باشد، تعریف می کند. رفتارهای ضداجتماعی و پرخاشگری در زمره شایع ترین علل ارجاع کودکان و نوجوانان به کلینیک های بهداشت روانی هستند. عدم مهار رفتار پرخاشگرانه علاوه بر اینکه می تواند موجب ایجاد مشکلات بین فردی و جرم شود، درون ریزی را نیز به همراه دارد و موجب بروز انواع مشکلات جسمی و روانی، مانند زخم معده، سردرد و افسردگی می شود. ماتسون (۲۰۰۷؛ به نقل از گنجی، ۱۳۹۷) معتقد است که انواع شدید مشکلات رفتاری می تواند بسیار خطرناک باشد. به رشد شخصی صدمه بزند، فرصت های یادگیری و رفتار سازگارانه را کاهش داده و سرانجام کیفیت زندگی شخصی را تحت تأثیر قرار دهد. رفتار پرخاشگرانه دوران کودکی می تواند به عنوان یک عامل پیش بینی کننده برای بزهکاری، سوء مصرف مواد،

1. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorder

افسردگی، افت تحصیلی و ... باشد. شواهد نشان می‌دهد که رفتار ضداجتماعی دوران خردسالی با ناتوانی های دوران بزرگسالی در ارتباط است (دان و فایت، ۲۰۱۰).

دیدگاه های نظری، عوامل مختلفی را در بروز رفتارهای پرخاشگرانه مؤثر می‌دانند. فابیان (۲۰۱۰) ارتباط بین اختلالات عصب شناسی و عصب روانشناختی، و پرخاشگری و خشونت را شایان توجه می‌داند. مک اندرو (۲۰۰۹) نقش و مقدار ترشح هورمون ها در بروز رفتارهای پرخاشگرانه را مؤثر می‌داند. از نظر دانگجوسو و همکاران (۲۰۰۸) تعاملات نامناسب بین سیستم های سروتونین و دوپامین در کرتکس پیشانی احتمالاً ساز و کار مهمی است که ارتباط بین پرخاشگری تکانشی و اختلالات پیرو آن را به دنبال دارد. دیدگاه یادگیری اجتماعی عوامل مختلفی مانند تجربه های گذشته فرد، پاداش هایی که از تجربه های گذشته یا حال نصیب افراد می‌شود و مشاهده رفتار دیگران را در بروز پرخاشگری مورد توجه می‌دانند (به نقل از ریچاردسون و هاموگ، ۲۰۰۷). هوش هیجانی^۱ نوعی پردازش اطلاعات هیجانی است که شامل ارزیابی صحیح، بیان مناسب و تنظیم سازگارانۀ هیجان می‌شود؛ همچنین هوش هیجانی به طور گسترده ای به عنوان ظرفیت درک و کنترل هیجانات خود و دیگران تعریف می‌شود (گلمن، ۱۹۹۵).

نظریۀ هوش هیجانی دیدگاه جدیدی دربارهٔ پیش بینی عوامل مؤثر بر موفقیت و همچنین پیشگیری اولیه از اختلالات روانی را فراهم می‌کند. با توجه به اینکه پرخاشگری نوعی، هیجان محسوب می‌شود و یکی از مؤلفه های هوش هیجانی مدیریت هیجانات است به نظر می‌رسد با استفاده از آموزش هوش هیجانی و بکارگیری سبک های فرزندپروری، بتوان پرخاشگری را در افراد مهار کرد. ارتباط هوش هیجانی با عملکرد بهتر و موفق تر در محیط های تحت تنیدگی و همراه با فشار روانی اجتماعی نشان داده شده است (چان، ۲۰۰۶)؛ هوش هیجانی آخرین و جدیدترین تحول در زمینه فهم ارتباط بین تعقل و هیجان است. علی رغم دیدگاه ها، نگاه واقع بینانه به ماهیت انسان نشان می‌دهند که انسان برای سازگاری و چالش در زندگی به عملکرد منسجم قابلیت های هیجانی و منطقی وابسته است (اسجورگ، ۲۰۰۸). در برخی مواقع محققان ادعا می‌کنند که خود آگاهی و زندگی درونی به طور چشم گیری توسط تجربه های هیجانی مشخص می‌شود، لذا هوش هیجانی می‌تواند با مشکلات هیجانی زیادی که ریشه در تجارب میان فردی و درون فردی دارند، مرتبط باشد؛ در این پژوهش هم این سؤال مطرح است

۱. آیا سبک فرزندپروری والدین با هوش هیجانی و پرخاشگری در بین دختران نوجوان رابطه دارد؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. در این پژوهش، جامعه آماری شامل دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهر آمل در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ می‌باشند که برابر آمار دریافتی از کارشناسی طرح و برنامه اداره آموزش و پرورش شهر آمل، تعداد جامعه آماری $N=1149$ است. گروهی از دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهر آمل در سال تحصیلی ۹۷-۹۸، جمعیت نمونه را تشکیل می‌دهند که برابر محاسبات مربوطه، تعداد آنها $n=234$ می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه از جدول کرجسی و مورگان استفاده شد.

برای نمونه گیری از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای استفاده شد. در همین رابطه ابتدا تعداد کل مدارس متوسطه دخترانه شهر آمل مشخص شد. سپس بر اساس سهم حضور دانش آموزان مشغول به تحصیل در هر یک از این مدارس و با توجه به حجم نمونه، جمعیت نمونه مورد نظر انتخاب شدند. در مطالعات پژوهشی زمانی که جامعه از واحدهای متعددی تشکیل شده باشد و تعداد این واحدها با هم برابر نباشد به جهت تعیین سهم واقعی هر یک از واحدها، مناسب ترین روش نمونه گیری، تصادفی طبقه ای است. در این پژوهش هم از آن جایی که تعداد مدارس متوسطه دخترانه شهر آمل بیش از یکی است و از طرفی تعداد دانش آموزان هر یک از مدارس مذکور با هم برابر نیستند بنابراین بهترین روش نمونه گیری که بتواند نمونه واقعی از جامعه را ارائه دهد، تصادفی طبقه ای است.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه شیوه های فرزندپروری بامریند: دینا بامریند از دانشگاه کالیفرنیا در سال ۱۹۷۳ در پی انجام بررسی هایی توانست به، الگوهایی از شیوه های فرزندپروری والدین دست یابد، سپس وی به طراحی پرسشنامه ای برای شیوه های فرزند پروری پرداخت که به نام خود او معروف شد. این پرسشنامه شامل ۳۰ سوال می باشد که ۱۰ سؤال (۲۶، ۲۹، ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۵) مربوط به سبک استبدادی، ۱۰ سؤال (۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۲۸، ۱۴، ۱، ۶، ۱۰، ۱۳) مربوط به سبک سهل گیر و ۱۰ سؤال (۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۰) سؤال (۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲) نیز مربوط به سبک مقتدرانه است. مقابل هر سؤال پیوستاری از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم قرار دارد، که در وسط این طیف گزینه های موافقم، تقریباً موافقم و مخالفم قرار می گیرد. این گزینه ها به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره گذاری می شوند. با جمع نمرات سؤال های مربوط به هر شیوه فرزندپروری، سه نمره مجزا به دست می آید. بوری در سال ۱۹۹۱، میزان پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش بازآزمایی در گروه مادران به شرح ذیل گزارش نموده است: ۰/۸۱ برای شیوه سهل گیرانه، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی، ۰/۷۸ برای شیوه مقتدرانه. همچنین پایایی پرسشنامه در بین پدران، برای شیوه سهل گیرانه ۰/۷۷ و برای شیوه استبدادی ۰/۸۵ و برای شیوه مقتدرانه بخش ۰/۹۲ به دست آمده است.

۲. پرسشنامه هوش هیجانی: این پرسشنامه در سال ۱۹۹۸ توسط شوت و بر اساس مدل نظری سالوی و مایر (۱۹۹۰) از هوش هیجانی ساخته شده است. هر یک از مواد این آزمون، نشان دهنده گرایش انطباقی به سوی مفهوم هوش هیجانی در چهارچوب مدل نظری مورد نظر بود. مواد آزمون بر اساس ارتباط مناسب، واضح و دقیق با سازه هوش هیجانی، ارزیابی گردید و در طی آن برخی مواد انتخاب، برخی اضافه و برخی نیز حذف شدند و بدین ترتیب نمونه مقدماتی ماده ها توسط پاسخ گروهی از آزمودنی ها، ارزیابی و عناصر (مواد) نامشخص و مبهم آن مشخص شد. سپس در مرحله دیگری با روش تحلیل عامل و تحلیل مؤلفه های اصلی پاسخ ۳۱۶ آزمودنی به ۶۲ ماده مقیاس، با استفاده از آزمون اسکری و ارزش ویژه^۱، چهار عامل به دست آمد که هر یک از عوامل، بار عاملی ۴۰ صدم و بالاتر را نشان داد. عامل اول شامل ۳۳ ماده و دارای ارزش ۱۰/۷۹ بود و عامل دوم تا چهارم به ترتیب ارزش ۳/۵۸، ۲/۹۰ و ۲/۵۳ را نشان دادند. ۳۳ ماده ای که در عامل اول قرار گرفتند نشان دهنده مدل مفهومی سالوی و مایر (۱۹۹۰) از هوش هیجانی بودند. در این

1. Screeplot & Eigen Value

مجموعه ۳۳ ماده‌ای، سه طبقه مشاهده گردید؛ ارزیابی و ابراز هیجان (۱۳ ماده)، تنظیم هیجان (۱۰ ماده) و بهره‌برداری از هیجان (۱۰ ماده). علاوه بر این، خرده مؤلفه‌های هر طبقه نیز مشخص گردید نظیر تنظیم هیجان در خود و دیگران. قدرت عامل اول و اصل صرفه‌جویی مفهومی مواد این عامل، منجر به انتخاب ۳۳ ماده برای مقیاس نهایی گردید. در این مقیاس که یک پرسشنامه خود توصیفی است، آزمودنی حدی از توافق یا مخالفت خود را با هر یک از جملات، در یک مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت (۱= کاملاً مخالف تا ۵= کاملاً موافق) نشان می‌دهد. در ضمن نمره گذاری مواد ۵، ۲۸ و ۳۳ این مقیاس به صورت معکوس می‌باشد. مطالعه این مقیاس در میان نوجوانان برای EI کل اعتبار ۸۴ صدم و برای خرده مقیاس‌های آن به ترتیب ۷۶ صدم، ۶۶ صدم و ۵۵ صدم را نشان داد (به نقل از سیاروچی و دین، ۲۰۰۰). ضرایب آلفا اعتباریابی مقیاس شوت، هوش هیجانی کل ۸۱ صدم بوده و برای عوامل آن به ترتیب؛ تنظیم هیجان ۷۸ صدم، ارزیابی و ابراز هیجان ۶۷ صدم و بهره‌برداری از هیجان ۵۰ صدم بوده است. روایی سازه مقیاس در همین مطالعه به دست آمده به این صورت که عوامل توصیف گر سازه هوش هیجانی همان عوامل بودند که در تحقیقات پیشین به دست آمده است (شوت و همکاران، ۱۹۹۸). همچنین روایی ملاک مقیاس توسط همبستگی بین هوش هیجانی و حالت اضطراب ۲۵- صدم، با افسردگی ۳۳- صدم و با الکسی تیمیا ۱۵- صدم تأیید شده است.

۳. پرسشنامه پرخاشگری باس و پری: این پرسشنامه توسط باس و پری در سال (۱۹۹۲) ساخته شده و دارای ۲۹ پرسش است که در طیف ۵ درجه ای (خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم و اصلاً) نمره گذاری می‌شود. سازندگان این پرسشنامه، ضریب همسانی درونی مواد این پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۸۹ صدم محاسبه کرده اند. همچنین حسینی انجدانی (۱۳۸۷) اعتبار این پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۸۶ صدم محاسبه کرده است. این پرسشنامه دارای ۴ خرده مقیاس با عنوان؛ پرخاشگری کلامی، پرخاشگری فیزیکی، خشم و خصومت می‌باشد. در این پرسشنامه نمره فرد هر چه بالاتر باشد فرد پرخاشگری بیشتری دارد.

شیوه اجرا. به منظور تکمیل پرسشنامه‌ها، ابتدا برای کسب مجوز اقدامات لازم انجام شد. سپس بعد از انتخاب نمونه پژوهش و قبل از توزیع پرسشنامه‌ها، توضیحاتی مقدماتی در مورد هدف پژوهش به مادران دانش آموزان دیرآموز ارائه شد و این نکته بیان شد که اطلاعات مندرج در ابزارهای پژوهش کاملاً محفوظ است و تکمیل پرسشنامه‌ها بدون ذکر نام و نشانی است و در هر زمان از پژوهش می‌توانند از همکاری خود انصراف دهند. داده‌ها با آماره‌های توصیفی، ضریب همبستگی و رگرسیون چندگانه به روش همزمان با استفاده از نرم افزار Spss نسخه ۲۲ تحلیل شد.

یافته‌ها

از بین جمعیت نمونه، کمترین تعداد با ۵۹ نفر (۲۶/۶٪) دارای ۱۳ سال و بیشترین آنها نیز با تعداد ۹۳ نفر (۴۰/۴٪) دارای ۱۴ سال می‌باشند. کمترین تعداد با ۵۹ نفر (۲۶/۶٪) در پایه تحصیلی اول بیشترین آنها نیز با تعداد ۹۳ نفر (۴۰/۴٪) در پایه تحصیلی دوم تحصیل می‌کنند و از بین جمعیت نمونه پدران، کمترین

تعداد با ۱۷ نفر (۷/۴٪) دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس و بالاتر و بیشترین آنها نیز با تعداد ۱۰۴ نفر (۴۵/۴٪) دارای مدرک تحصیلی دیپلم و پایین تر هستند. همچنین از بین جمعیت نمونه مادران، کمترین تعداد با ۶ نفر (۲/۶٪) دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس و بالاتر و بیشترین آنها نیز با تعداد ۱۲۱ نفر (۵۲/۸٪) دارای مدرک تحصیلی دیپلم و پایین تر هستند.

جدول ۱ شاخص های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیرهای تحقیق	سبک های فرزندپروری	هوش هیجانی	پرخاشگری
شاخص آماری			
میانگین	۶۲/۲۰	۷۳/۱۰	۶۲/۵۹
انحراف استاندارد	۳/۱۷	۴/۴۰	۳/۴۷

بررسی نتایج اطلاعات جدول فوق که مربوط به متغیرهای تحقیق است نشان می دهد که؛ متغیر پیش بین سبک های فرزندپروری دارای میانگین ۶۲/۲۰ و انحراف استاندارد ۳/۱۷، متغیر ملاک هوش هیجانی دارای میانگین ۷۳/۱۰ و انحراف استاندارد ۴/۴۰ و متغیر ملاک پرخاشگری نیز دارای میانگین ۶۲/۵۹ و انحراف استاندارد ۳/۴۷ می باشد.

جدول ۲. خلاصه مدل رگرسیون به روش همزمان بر حسب ضریب همبستگی و ضریب تعیین

مدل	R	R ²
۱	۰/۴۱۸	۰/۱۶۳

جدول فوق خلاصه مدل را نشان می دهد. مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰/۴۱۸ می باشد که نشان می دهد بین مجموعه متغیرهای پیش بین و ملاک تحقیق همبستگی متوسطی وجود دارد. از طرفی مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (R²) برابر با ۰/۱۶۳ می باشد که نشان می دهد متغیر پیش بین توانسته است ۱۶/۳ درصد از کل تغییرات متغیر ملاک را تبیین کند. بنابراین مابقی این تغییرات که به مجذور کمیت خطا (e²) معروف است تحت تأثیر متغیرهای خارج از مدل می باشد.

جدول ۳ نتایج مربوط به ضرایب تأثیر رگرسیونی پیش بینی هوش هیجانی بر مبنای سبک های

فرزندپروری

سطح معنی داری (Sig.)	مقدار T	ضرایب استاندارد		ضرایب غیراستاندارد خطای استاندارد	پیش بین
		ضریب بتا (β)	ضریب بتا (β)		
۰/۰۸۷	-۱/۷۲۰	-۰/۱۰۷	۰/۱۱۷	-۰/۲۰۱	سبک استبدادی
۰/۰۶۸	۱/۸۳۴	۰/۱۱۷	۰/۱۶۶	۰/۳۰۴	سبک سهل گیر
۰/۰۰۰	۶/۵۱۰	۰/۴۰۴	۰/۱۲۱	۰/۷۸۵	سبک مقتدرانه

داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که چون سطح معنی‌داری محاسبه شده در خصوص متغیر پیش‌بین سبک مقتدرانه کوچکتر از ۰/۰۱ است بنابراین تأثیر متغیر مذکور بر متغیر ملاک هوش هیجانی معنی‌دار است. به عبارت دیگر بین سبک مقتدرانه والدین با هوش هیجانی در دانش‌آموزان دختر رابطه وجود دارد. از طرفی متغیر پیش‌بین سبک مقتدرانه با ضریب رگرسیونی (۰/۴۰۴) بر متغیر ملاک هوش هیجانی تأثیر داشت. همچنین داده‌های جدول مذکور نشان می‌دهد که چون سطح معنی‌داری محاسبه شده در خصوص متغیرهای پیش‌بین سبک استبدادی و سهل‌گیر بزرگتر از ۰/۰۵ است بنابراین تأثیر متغیرهای مذکور بر متغیر ملاک هوش هیجانی معنی‌دار نیست. به عبارت دیگر بین سبک‌های استبدادی و سهل‌گیر والدین با هوش هیجانی در دانش‌آموزان دختر رابطه وجود ندارد.

جدول ۴. خلاصه مدل رگرسیون به روش همزمان بر حسب ضریب همبستگی و ضریب تعیین

مدل	R	R ²
۱	۰/۲۸۴	۰/۰۶۸

جدول ۴ خلاصه مدل را نشان می‌دهد. مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰/۲۸۴ می‌باشد که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای پیش‌بین و ملاک تحقیق همبستگی ضعیفی وجود دارد. از طرفی مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (R²) برابر با ۰/۰۶۸ می‌باشد که نشان می‌دهد متغیر پیش‌بین توانسته است ۶/۸ درصد از کل تغییرات متغیر ملاک را تبیین کند. بنابراین مابقی این تغییرات که به مجذور کمیت خطا (e²) معروف است تحت تأثیر متغیرهای خارج از مدل می‌باشد.

جدول ۵. نتایج مربوط به ضرایب تأثیر رگرسیونی پیش‌بینی پرخاشگری بر مبنای سبک‌های

فرزندپروری

متغیرهای پیش‌بین	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد		مقدار T	سطح معنی‌داری
	ضریب بتا (β)	خطای استاندارد	ضریب بتا (β)	ضریب بتا (β)		
سبک استبدادی	-۰/۰۸۱	۰/۰۳۰	-۰/۱۸۰	۰/۰۰۷	-۲/۷۲۴	
سبک سهل‌گیر	۰/۰۰۰	۰/۰۴۲	-۰/۰۰۱	۰/۹۸۶	-۰/۰۱۸	
سبک مقتدرانه	-۰/۱۰۳	۰/۰۳۱	-۰/۲۱۹	۰/۰۰۱	-۳/۳۵۵	

داده‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که چون سطح معنی‌داری محاسبه شده در خصوص متغیرهای پیش‌بین سبک‌های استبدادی و مقتدرانه کوچکتر از ۰/۰۱ است بنابراین تأثیر متغیرهای مذکور بر متغیر ملاک پرخاشگری معنی‌دار است. به عبارت دیگر بین سبک‌های استبدادی و مقتدرانه والدین با پرخاشگری در دانش‌آموزان دختر رابطه منفی وجود دارد. یعنی با بالا رفتن نمره سبک‌های استبدادی و مقتدرانه، پرخاشگری دانش‌آموزان دختر کاهش می‌یابد. از طرفی متغیر پیش‌بین سبک استبدادی با ضریب

رگرسیون (۰/۱۸۰) و سبک مقتدارانه با ضریب رگرسیونی (۰/۲۱۹) بر متغیر ملاک پرخاشگری تأثیر داشت. همچنین داده های جدول مذکور نشان می دهد که چون سطح معنی داری محاسبه شده در خصوص متغیر پیش بین سبک سهل گیر بزرگتر از ۰/۰۵ است بنابراین تأثیر متغیر مذکور بر متغیر ملاک پرخاشگری معنی دار نیست. به عبارت دیگر بین سبک سهل گیر والدین با پرخاشگری در دانش آموزان دختر رابطه وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک فرزندپروری والدین با هوش هیجانی و پرخاشگری دختران نوجوان بود. نتایج نشان داد بین سبک فرزندپروری والدین با هوش هیجانی و پرخاشگری در بین دانش آموزان دختر رابطه معنی داری وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش های اقدسی و همکاران (۱۳۹۶)، گنجه و همکاران (۱۳۹۲)، صادق خانی و همکاران (۱۳۹۱)، لامبورن و همکاران (۲۰۱۵)، مک کوبی و مارتین (۲۰۱۳)، برنت (۲۰۱۲)، رابینسون و همکاران (۲۰۱۱) و هالنستین (۲۰۱۱) همخوانی دارد. در همین رابطه رضایی و مددخواه (۱۳۸۸) معتقد هستند؛ از آنجایی که تعلیم و تربیت کودکان تحت تأثیر شخصیت والدین آنها قرار می گیرد به این ترتیب، والدین آشفته بیش از دیگران، با خطر داشتن کودکان آشفته روبه رو خواهند بود. همچنین نگرش ها و رفتار والدین می تواند تسهیل کننده و یا مانع در جریان رشد و تکامل کودک باشد. الگوهای فرزندپذیری تا حدودی بازتاب ارزش های والدین هستند. به عنوان مثال، برخی از والدین برای همنوایی در کودکان ارزش قائل اند. همچنین والدین پذیرا منبع امنیت برای دانش آموزان نگران و مضطرب خویش خواهند بود. چنین والدینی نه تنها در حل مشکلات نوجوان با او همراه و همیارند، بلکه نوجوان را به مستقل شدن و پذیرش مسئولیت تشویق می کنند. والدین سالم و بالغ معمولاً با حساسیت و مهربانی بیشتری به نیازها و اشارات کودکان توجه می کنند و این نوع فرزندپروری امنیت عاطفی، استقلال، توانش اجتماعی و موفقیت هوشی را تشویق می کند. بعضی از والدین معتقدند که کودکان حرف می زنند و از آنان سؤالات بسیاری می کنند، در نتیجه آنان را در تفکر و استدلال بر می انگیزند. برعکس، والدینی که فکر می کنند که فرزندانشان یادگیرندگانی منفعل اند مستقیماً آنان را هدایت می کنند و فرمان می دهند. والدین، در صورتی که احساس می کنند که بدرفتاری کودک عمدی بوده و کودک آنقدر بزرگ شده که بتواند رفتارش را کنترل کند او را تنبیه می کنند. در تبیین این یافته می توان گفت که؛ سبک فرزند پروری والدین می تواند هم دارای نقش حمایتی باشد و هم دارای نقش غیر حمایتی که پیامد بکارگیری آن بر تحول و رشد کودک در زمینه هوش هیجانی و بروز پرخاشگری موثر باشد.

نتایج تأثیر رگرسیونی نشان می دهد که چون سطح معنی داری محاسبه شده در خصوص متغیرهای پیش بین سبک های استبدادی و مقتدرانه کوچکتر از ۰/۰۱ است بنابراین تأثیر متغیرهای مذکور بر متغیر ملاک پرخاشگری معنی دار است. به عبارت دیگر بین سبک های استبدادی و مقتدرانه والدین با پرخاشگری در دانش آموزان دختر رابطه منفی وجود دارد. یعنی با بالا رفتن نمره سبک های استبدادی و مقتدرانه، پرخاشگری دانش آموزان دختر کاهش می یابد. ز طرفی متغیر پیش بین سبک استبدادی با ضریب

رگرسیون (۰/۱۸۰) و سبک مقتدرانه با ضریب رگرسیونی (۰/۲۱۹) بر متغیر ملاک پرخاشگری تأثیر داشت. همچنین چون سطح معنی داری محاسبه شده در خصوص متغیر پیش بین سبک سهل گیر بزرگتر از ۰/۰۵ است بنابراین تأثیر متغیر مذکور بر متغیر ملاک پرخاشگری معنی دار نیست. به عبارت دیگر بین سبک سهل گیر والدین با پرخاشگری در دانش آموزان دختر رابطه وجود ندارد. همچنین نتایج تأثیر رگرسیونی نشان می دهد که چون سطح معنی داری محاسبه شده در خصوص متغیر پیش بین سبک مقتدرانه کوچکتر از ۰/۰۱ است بنابراین تأثیر متغیر مذکور بر متغیر ملاک هوش هیجانی معنی دار است. به عبارت دیگر بین سبک مقتدرانه والدین با هوش هیجانی در دانش آموزان دختر رابطه وجود دارد. از طرفی متغیر پیش بین سبک مقتدرانه با ضریب رگرسیونی (۰/۴۰۴) بر متغیر ملاک هوش هیجانی تأثیر داشت. همچنین چون سطح معنی داری محاسبه شده در خصوص متغیرهای پیش بین سبک استبدادی و سهل گیر بزرگتر از ۰/۰۵ است بنابراین تأثیر متغیرهای مذکور بر متغیر ملاک هوش هیجانی معنی دار نیست. به عبارت دیگر بین سبک های استبدادی و سهل گیر والدین با هوش هیجانی در دانش آموزان دختر رابطه وجود ندارد.

در تبیین این یافته می توان گفت که؛ سبک والدینی مقتدرانه نسبت به سایر سبک های والدینی در تقویت هوش هیجانی از نتایج بهتری برخوردار است. بنابراین در خانواده هایی که این سبک وجود دارد زمینه های بروز انواع استعدادها و نیز پرورش هوش هیجانی در فرزندان بیشتر وجود دارد. همچنین بر اساس الگوی زیگلن، دانش آموزان دارای والدین مستبد، رفتار خوبی دارند اما ممکن است افسرده باشند، این دانش آموزان تمایل دارند عملکرد خوبی در مدرسه داشته باشند و در رفتارهای مشکل آفرین درگیر نمی شوند، اما مهارتهای اجتماعی آنان ضعیف است و عزت نفس پایین دارند. در تبیین این یافته می توان گفت که؛ والدینی که از سبک فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه استفاده می کنند زمینه بروز و شکل گیری رفتار پرخاشگرانه در فرزندان آنها کمتر ایجاد می شود. اجرای این پژوهش با محدودیت هایی روبرو بود که از آن جمله می توان به عدم توجه به ویژگی های روانشناختی دختران نوجوان مورد مطالعه، عدم توجه به ویژگی های روانشناختی والدین دختران نوجوان مورد مطالعه و استفاده از ابزار سنجش پرسشنامه غیر بومی اشاره کرد. از این رو پیشنهاد می شود در پژوهشهای آتی ویژگی های جمعیت شناختی و روانشناختی مورد توجه قرار گیرد و همچنین جهت تبیین دقیق تر می توان به ساخت و هنجاریابی ابزارهای بومی پرداخت تا نتایج مبتنی بر فرهنگ کشورمان استخراج شود.

موازن اخلاقی

ملاحظات اخلاقی در پژوهش با جلب رضایت آگاهانه شرکت کنندگان رعایت شده است؛ هم چنین به افراد درباره محرمانه بودن نتایج اطمینان داده شد.

سپاسگزاری

از مساعدت صمیمانه تمامی عوامل به ویژه مدیران مدارس، دانش آموزان و کلیه کسانی که در روند انجام پژوهش همکاری نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می آید.

تعارض منافع

بین نویسندگان هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد

منابع

- اقدسی، علی نقی، نجفی، سولماز، اسماعیلی، رقیه، پناه علی، امیر، و محمدی، اکبر. (۱۳۹۶). مقایسه شیوه های فرزندپروری والدین دانش آموزان پسر بزهکار و عادی. مجله زن و مطالعات خانواده، ۴(۱۳): ۱۵۱-۱۴۱.
- حبیبی، زهره، خسروجاوی، مهناز، و حسین خانداده، عباسعلی. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش هوش هیجانی بر راهبردهای مقابله با تنیدگی در افراد با آسیب بینایی. مجله پرستاری و مامایی جامع نگر، ۲۴(۷۱): ۲۹-۲۱.
- حسینی انجدانی، امین. (۱۳۸۷). مقایسه مهارت های حل مسأله اجتماعی دانش آموزان عادی و دارای اختلالات رفتاری ۹ و ۱۵ ساله شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۷۷. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- خانجانی، زینب، و محمودزاده، رقیه. (۱۳۹۵). مقایسه شیوه های فرزندپروری و اختلالات رفتاری کودکان مادران شاغل و غیرشاغل. فصلنامه علمی-پژوهشی زن و فرهنگ، ۴(۱۶): ۵۲-۳۷.
- شریفی درآمدی، پرویز، و آقایار، پرویز. (۱۳۹۴). هوش هیجانی، کاربرد هوش در قلمرو هیجان. اصفهان: انتشارات سپاهان. چاپ اول.
- زارعی، اقبال، حیدری، حسن، محمودی نودژ، مجتبی، عسکری، مهین، و محمدی، حاتم. (۱۳۹۳). نقش سبکهای دلبستگی در پیش بینی اختلال سلوک دانش آموزان. فصلنامه تحول روانشناختی کودک، ۱(۱): ۸۳-۹۱
- صادق خانی، اسدالله، علی اکبری دهکردی، مهناز، و کاکوجویباری، علی اصغر. (۱۳۹۱). مقایسه شیوه های فرزندپروری مادران دانش آموزان پسر ۷ تا ۹ سال دوره ابتدایی با اختلال لجبازی-نافرمانی و عادی در شهرستان ایلام. پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته روانشناسی عمومی دانشگاه پیام نور تهران.
- علیپور بیرگانی، سیروس، مکتبی، غلامحسین، شهنی بیلاق، منیجه، و مفردنژاد، ناهید. (۱۳۹۰). رابطه ویژگی های شخصیتی با خودناتوان سازی تحصیلی و مقایسه شیوه های فرزندپروری از لحاظ متغیر اخیر در دانش آموزان سال سوم دبیرستانی. مجله دستاوردهای روانشناختی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۴(۲): ۱۵۴-۱۳۵.
- فرامرزی، سالار، تقی پور جوان، عباسعلی، دهقانی، مصطفی، و مرادی، محمدرضا. (۱۳۹۳). مقایسه سبک های دلبستگی و شیوه های فرزندپروری مادران دانش آموزان عادی و دانش آموزان با اختلال یادگیری. دومانه علمی-پژوهشی جندی شاپور، ۴(۳): ۲۵۴-۲۴۵.
- فرجاد، محمداحسان، و محمدی اصل، جواد. (۱۳۸۷). اثربخشی تمرینات جسمانی بر کاهش پرخاشگری دانش آموزان آهسته گام. نشریه رشد و یادگیری حرکتی- ورزشی، ۸(۳۷): ۶۶-۵۲.
- گنجی، مهدی. (۱۳۹۷). آسیب شناسی روانی بر اساس DSM-5 تهران: انتشارات سالوان.

- گنجه، سیدعلیرضا، دهستانی، مهدی، و زاده محمدی، علی. (۱۳۹۲). مقایسه اثربخشی آموزش مهارت حل مسأله و هوش هیجانی در کاهش پرخاشگری دانش آموزان پسر دبیرستانی. *مجله دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۱۴(۲): ۳۸-۵۰.
- مسعودنیا، ابراهیم. (۱۳۸۸). پرخاشگری و رفتار ضداجتماعی در نوجوانان؛ ارزیابی نظریه پالایش پرخاشگری. *مجله روانشناسی*، ۱۳(۲): ۱۳۸-۱۵۲.
- نیکوگفتار، محمود. (۱۳۸۸). آموزش هوش هیجانی، ناگویی خلقی، سلامت عمومی و پیشرفت تحصیلی. *فصلنامه روانشناسان ایرانی*، ۵(۱۹): ۲۹-۵۶.

References

- American Psychiatric Association. (2013). Diagnostic and statistical manual of mental disorders. *American Psychiatric Publishin*
- Baranne, M.L & Falissard, B. (2018). Global Burden of Mental Disorders Among Children Aged 5-14 Years. *Child and Adolescent Psychiatry and Mental Health*, (2018), 1-9
- Berent, T. S. (2012). Child development. Second. London, Brown and benchmark publisher.
- Buss, A.H., & Perry, M. (1992). The Aggression Questionnaire. *Journal of Personality and Social Psychology*. 63(3), 452-459
- Chan, D.W. (2006). Emotional intelligence and components of burnout among Chinese secondary school teachers in Hong Kong. *Teaching and Teacher Education*, 1-13
- Dunn, J. M. & Fait, H. F. (2010). "Special physical education: adapted, individualized developmental". The University of Virginia, W.C. Brown.
- Dongiu Seo, Patrick, C. J. & Kennealy, P. J. (2008). "Role of serotonin and dopamine system teractionsin the neurobiology of impulsive aggression and ts comorbidity with other clinical disorders". *Ggression and violent behaviour*, 13, PP:383-395
- Fabian, J. M. (2010). "Neuropsychological and neurological correlates in violent and homicidal offenders: a legal and neuroscience perspective". *Aggression and violent behaviour*, 15, PP: 209-223
- Goleman, D. (1995). *Emotional intelligence*. New York: Bantam
- Holenstein, T. (2011). Rigidity in parent-child interaction early childhood. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 32 (4), 595-607.
- McAndrew, F. & Francis, T. (2009). "The interacting roles of testosterone and challenges to status in human male aggression". *Aggression and Violent Behaviour*, 14, 330-335
- Maccoby, E. E., & Martin, J. A. (2013). Socialization in the context of the family: parent child interaction. In P.H. Mussen (Ea & E. M. Hetherington (Vol. Ed.), *Hand book of child psychology: Vol. 4. Socialization, personality, and social development* (4thed, pp.1-101). New York: wily.
- Nicholson, S. (2013). Anger management revolution studies distribution. *company inc. of child Adolescent psychiatry*, 43(12), 1478- 1487
- Richardson, D. S., & Hammock, G. S. (2007). "Social context of human aggression. Are we paying too much attention to gender?" *Aggression and violent behaviour*. 12, PP: 417-426

Robinson, C., Mandlco, B., Olsen, SF., Hart, CH. (2011). The parenting style and dimensions Questionnaire (PSQD). Handbook of family measurement techniques; thousand oaks: sage. Vol.3. p: 319-321.

Sjöberg, L. (2008). Emotional intelligence and life adjustment. In: Cassidy JC, Eissa MA. *Emotional intelligence: perspectives on educational & positive psychology. 1th ed. New York: Peter Lang Publishing; 169184.*

پرسشنامه شیوه های فرزندپروری

عبارات					رتبه
کاملاً مخالفم	مخالفم	نی‌می‌مخالفم	موافقم	کاملاً موافقم	
۴	۳	۲	۱	۰	۱. والدین باید به بچه های خود اجازه دهند تا هر آن چه را که می خواهند، انجام دهند.
۴	۳	۲	۱	۰	۲. بچه ها باید فقط از آن چه والدینشان می گویند، پیروی کنند، در غیر این صورت باید آنها را تنبیه کرد.
۴	۳	۲	۱	۰	۳. اگر به مشکلات بچه ها توجه شود، این دردسر را به دنبال دارد که آنها گستاخ تر شده و انتظارات بیشتری از والدین خواهند داشت.
۴	۳	۲	۱	۰	۴. هرگاه والدین تصمیمی برای بچه ها بگیرند، باید دلایل آن را به آن ها بگویند.
۴	۳	۲	۱	۰	۵. اگر بچه ها نسبت به محدودیت های ایجاد شده در خانواده اعتراضی داشتند، والدین باید با صحبت کردن، آن ها را قانع کنند.
۴	۳	۲	۱	۰	۶. والدین نباید در کارهای مربوط به بچه ها دخالت کنند، چون بچه ها به طور ذاتی راه خودشان را پیدا می کنند.
۴	۳	۲	۱	۰	۷. اگر بچه ها کاملاً مطابق میل والدین خود رفتار کنند، در آینده افراد موفق خواهند شد.
۴	۳	۲	۱	۰	۸. بچه ها باید کاری را که والدین از آن ها انتظار دارند، انجام دهند. اما اگر انتظارات والدین غیرقابل قبول بود، باید بتوانند آن را آزادانه با والدین خود مطرح کنند.
۴	۳	۲	۱	۰	۹. وقتی والدین از بچه ها می خواهند تا کاری را انجام دهند، بچه ها باید بدون چون و چرا آن را انجام دهند.
۴	۳	۲	۱	۰	۱۰. والدین نباید بچه ها را در منزل محدود کنند، بلکه باید آن ها را آزاد بگذارند تا تمام لوازم اطراف خود را دستکاری کنند.
۴	۳	۲	۱	۰	۱۱. هرگاه بچه ها بر خلاف میل والدین رفتار کردند، والدین باید به جای تنبیه آنها را راهنمایی کنند.
۴	۳	۲	۱	۰	۱۲. والدین خیلی زود باید به بچه ها بفهمانند که رئیس خانواده کیست.
۴	۳	۲	۱	۰	۱۳. والدین باید در تصمیم گیری های مربوط به خانواده فقط آن چه را که خواست بچه ها است، انجام دهند.
۴	۳	۲	۱	۰	۱۴. اگر والدین رفتار و خواست های بچه ها را محدود نکنند، بیشتر مشکلات حل می شود.
۴	۳	۲	۱	۰	۱۵. والدین باید هنگام تصمیم گیری در مورد مسائل و برنامه های خانواده نظر بچه ها را دخالت دهند و از آنها نیز نظر خواهی کنند.
۴	۳	۲	۱	۰	۱۶. والدین باید با بچه هایی که با نظر آنها مخالفت می کنند، به شدت برخورد نمایند.
۴	۳	۲	۱	۰	۱۷. والدین باید به بچه ها اجازه دهند تا خودشان در کارها تصمیم گیرنده باشند.
۴	۳	۲	۱	۰	۱۸. شوخی و بازی کردن بچه ها در حضور والدین، توهین به آنهاست.
۴	۳	۲	۱	۰	۱۹. بچه ها به بازی و تفریح نیاز دارند، بنابراین والدین باید به آن ها اجازه دهند تا هر وقت که دلشان خواست از منزل خارج شوند.

۴	۳	۲	۱	۰	۲۰	باید به بچه‌ها اجازه داده شود که اگر فکر می‌کنند نظرشان از نظرات والدین خود بهتر است، آن را ابراز کنند.
۴	۳	۲	۱	۰	۲۱	وقتی بچه‌ها مرتکب اشتباهی می‌شوند، هیچ‌گاه نباید آن‌ها را سرزنش کرد.
۴	۳	۲	۱	۰	۲۲	اگر والدین تصمیمی برخلاف میل بچه‌ها گرفتند، باید با بچه‌ها گفتگو کنند و حتی اگر در تصمیم خود اشتباه کرده بودند، آن را بپذیرند.
۴	۳	۲	۱	۰	۲۳	گاهی اوقات والدین باید با بچه‌ها سازش کنند، نه این‌که همیشه انتظار داشته باشند که بچه‌ها با آنها سازش نمایند.
۴	۳	۲	۱	۰	۲۴	بچه‌ها را باید آزاد گذاشت تا خودشان تجربه کنند.
۴	۳	۲	۱	۰	۲۵	بعضی از بچه‌ها ذاتاً بد هستند و باید طوری تربیت شوند که از والدین خود بترسند.
۴	۳	۲	۱	۰	۲۶	بچه‌ها وقتی بزرگ شوند، از سخت‌گیری والدین خود سپاسگزاری خواهند کرد.
۴	۳	۲	۱	۰	۲۷	وقتی بچه‌ها دچار مشکل و دردرس می‌شوند (کار خطایی انجام می‌دهند) باید بدانند که با مطرح کردن آن مشکل برای والدین خود، تنبیه نمی‌شوند.
۴	۳	۲	۱	۰	۲۸	در مجالس و میهمانی‌ها باید بچه‌ها را آزاد گذاشت تا محیط اطراف خود را دستکاری کنند تا حس کنجکاوی آن‌ها ارضا شود.
۴	۳	۲	۱	۰	۲۹	بچه‌ها جدی و کوشا نخواهند بود، مگر این‌که درباره کارهای آن‌ها سخت‌گیری کنیم.
۴	۳	۲	۱	۰	۳۰	هر چند بچه‌ها تجربه کمی دارند، اما گاهی اوقات نظر آن‌ها بهتر از نظر والدین است.

پرسشنامه هوش هیجانی

ردیف	عبارات	کاملاً درست	درست	ناحلی درست	نادرست	کاملاً نادرست
۱	بقتی که با دیگران صحبت می‌کنم، نسبت به مشکلات شخصی ام هشیار هستم	۵	۴	۳	۲	۱
۲	وقتی که با موانعی بر سر راهم مواجه می‌شوم، زمان‌هایی را به خودم یادآوری می‌کنم که با موانع مشابهی مواجه شده بودم و در نهایت بر آنها غلبه کرده بودم	۵	۴	۳	۲	۱
۳	انتظار و امید دارم که بیشتر کارهایی را که سعی در انجام آنها دارم به خوبی انجام دهم	۵	۴	۳	۲	۱
۴	برای افراد دیگر آسان است که به من اطمینان کرده و رازهای خود را با من در میان بگذارند	۵	۴	۳	۲	۱
۵	برای من دشوار است که معنای پیام‌های غیرگفتاری (مانند تن صدا، لحن کلام، حرکات چهره و ...) را بفهمم	۵	۴	۳	۲	۱
۶	یک سری از حوادث مهم در زندگی من باعث شده‌اند درباره چیزهایی که در زندگی مهم هستند و چیزهایی که مهم نیستند مجدداً ارزیابی کنم	۵	۴	۳	۲	۱
۷	هنگامی که خلق و خو یا حالت احساسی ام تغییر می‌کند، می‌توانم به راهکارهای جدیدی در ارتباط با مسائل دست پیدا کنم	۵	۴	۳	۲	۱
۸	عواطف و احساسات یکی از چیزهایی است که زندگی را برای من با ارزش می‌کند	۵	۴	۳	۲	۱
۹	از هیجانات و احساس‌هایی که تجربه می‌کنم، آگاهی دارم	۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	منتظر وقوع حوادث خوب هستم	۵	۴	۳	۲	۱
۱۱	دوست دارم که احساسات و هیجاناتم را با دیگران در میان بگذارم	۵	۴	۳	۲	۱
۱۲	وقتی که احساس و هیجان مثبتی به من دست می‌دهد، می‌دانم چه کار کنم تا مدت زمان بیشتری آن احساس را داشته باشم	۵	۴	۳	۲	۱
۱۳	شرایط را طوری ترتیب می‌دهم که باعث لذت دیگران شود	۵	۴	۳	۲	۱

۱	۲	۳	۴	۵	۱۴	به دنبال فعالیت هایی که باعث خوشحالی من می شوند می گردم
۱	۲	۳	۴	۵	۱۵	از پیام های غیرگفتاری (مانند تن صدا، لحن کلام، حرکات چهره و ...) و معنای آن پیام ها که به دیگران می فرستم، آگاهی دارم
۱	۲	۳	۴	۵	۱۶	در حضور دیگران به نحوی رفتار می کنم که باعث می شود تأثیر خوبی بر دیگران بگذارم
۱	۲	۳	۴	۵	۱۷	وقتی که حالت احساسی و خلق و خوی من مثبت است، پیدا کردن راه حل مسائل برایم آسان است
۱	۲	۳	۴	۵	۱۸	هنگامی که دیگران سعی در مخفی کردن حالت احساسی صورتشان دارند، می توانم بفهمم که چه احساسی را تجربه می کنند
۱	۲	۳	۴	۵	۱۹	وقتی که احساساتم تغییر می کنند، می دانم که چرا چنین تغییری رخ داد
۱	۲	۳	۴	۵	۲۰	وقتی که احساسات مثبتی را تجربه می کنم، قادر هستم که ایده ها و نظرات جدیدی ارائه کنم
۱	۲	۳	۴	۵	۲۱	بر هیجاناتم کنترل دارم
۱	۲	۳	۴	۵	۲۲	می توانم به آسانی تشخیص دهم که در یک زمان خاص چه احساس و هیجانی را تجربه دارم
۱	۲	۳	۴	۵	۲۳	خودم را از طریق تصور کردن نتیجه مثبت برای انجام فعالیت هایی که به عهده می گیرم تحریک می کنم تا آن فعالیت ها را انجام دهم
۱	۲	۳	۴	۵	۲۴	هنگامی که دیگران کاری را به خوبی انجام می دهند، آن ها را تحسین می کنم
۱	۲	۳	۴	۵	۲۵	از پیام های غیرگفتاری (مانند تن صدا، لحن کلام، حالات چهره و ...) دیگران و معنای آن ها آگاه هستم
۱	۲	۳	۴	۵	۲۶	وقتی که شخص دیگری یک حادثه مهم در زندگی شخصی اش را برای من تعریف می کند، احساس می کنم من خودم آن حادثه را تجربه کرده ام
۱	۲	۳	۴	۵	۲۷	وقتی که تغییری در حالت احساسی و هیجانی خودم احساس می کنم، ایده ها و نظرات جدیدی به ذهن من می آید
۱	۲	۳	۴	۵	۲۸	هنگامی که با یک مانع یا دشواری بر سر راه انجام کارهایم مواجه می شوم کار را می کنم چون معتقدم که شکست خواهم خورد
۱	۲	۳	۴	۵	۲۹	از طریق نگاه کردن به افراد دیگر می توانم بفهمم که در آن لحظه چه احساسی دارند
۱	۲	۳	۴	۵	۳۰	هنگامی که دیگران احساس سرخوردگی و ناراحتی می کنند، به آن ها کمک می کنم تا از آن احساس رها شوند
۱	۲	۳	۴	۵	۳۱	هنگام مواجه شدن با موانع و مشکلات از احساس های خوب استفاده می کنم تا به خودم کمک کنم که همچنان به تلاش ادامه دهم
۱	۲	۳	۴	۵	۳۲	از طریق گوش کردن به تن صدای دیگران می توانم بگویم که افراد در آن زمان چه احساسی دارند
۱	۲	۳	۴	۵	۳۳	فهم علت حالات هیجانی و احساسی افراد برای من مشکل است

پرسشنامه پرخاشگری

عبارات					۱	۲	۳	۴	۵
اصلاً	کمی	زیاد	خیلی زیاد		۱	۲	۳	۴	۵
					۱	۲	۳	۴	۵

۱. هر چند وقت یک بار نمی توانم جلوی خود را از ضربه زدن به دیگری بگیرم

۱	۲	۳	۴	۵	۲	وقتی با دوستانم مخالف باشم، نظرم را صریح و بی پرده به آن‌ها می‌گویم
۱	۲	۳	۴	۵	۳	زود از کوره در می‌روم، اما زود هم بر آن غلبه می‌کنم
۱	۲	۳	۴	۵	۴	گاهی حسادت مرا از پا در می‌آورد
۱	۲	۳	۴	۵	۵	اگر به قدر کافی تحریک شوم، ممکن است دیگری را کتک بزنم
۱	۲	۳	۴	۵	۶	معمولاً با سایر مردم مخالفت می‌کنم
۱	۲	۳	۴	۵	۷	وقتی احساس ناکامی می‌کنم، عصبانیت خود را نشان می‌دهم.
۱	۲	۳	۴	۵	۸	گاهی احساس می‌کنم در زندگی با من سخت و غیرمنصفانه رفتار شده است
۱	۲	۳	۴	۵	۹	اگر کسی مرا بزند، من او را می‌زنم
۱	۲	۳	۴	۵	۱۰	اگر مردم مرا ناراحت کنند، ممکن است نظرم را درباره آن‌ها به ایشان بگویم
۱	۲	۳	۴	۵	۱۱	گاهی احساس می‌کنم مانند یک بشکه باروت آماده انفجارم
۱	۲	۳	۴	۵	۱۲	به نظر می‌رسد سایر مردم همیشه در حال استفاده از "وقت تنفس" هستند
۱	۲	۳	۴	۵	۱۳	من کمی بیش از یک آدم معمولی دعوا می‌کنم
۱	۲	۳	۴	۵	۱۴	اگر کسی با من مخالفت کند نمی‌توانم از بحث کردن با او خودداری کنم
۱	۲	۳	۴	۵	۱۵	بعضی از دوستانم فکر می‌کنند من آدم عجول و کم‌تحملی هستم
۱	۲	۳	۴	۵	۱۶	در تعجبم که چرا گاهی این قدر از بعضی چیزها عصبانی و برآشفته می‌شوم
۱	۲	۳	۴	۵	۱۷	اگر لازم باشد برای حفظ حقوق خودم دست به خشونت بزنم، این کار را می‌کنم
۱	۲	۳	۴	۵	۱۸	دوستانم می‌گویند که من دنبال بحث و جدل می‌گردم
۱	۲	۳	۴	۵	۱۹	گاه بدون هیچ دلیل موجهی از کوره در می‌روم
۱	۲	۳	۴	۵	۲۰	می‌دانم که دوستانم پشت سر من حرف می‌زنند
۱	۲	۳	۴	۵	۲۱	بعضی آدم‌ها آن قدر به من فشار می‌آورند تا با آن‌ها دست به گریبان شوم
۱	۲	۳	۴	۵	۲۲	راحت نمی‌توانم حالات خودم را کنترل کنم
۱	۲	۳	۴	۵	۲۳	نسبت به غریبه‌هایی که "خیلی خوش برخوردند"، ظنین هستم
۱	۲	۳	۴	۵	۲۴	به نظر من هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای برای کتک زدن دیگری وجود ندارد
۱	۲	۳	۴	۵	۲۵	گاهی احساس می‌کنم که آدم‌ها پشت سرم به من می‌خندند
۱	۲	۳	۴	۵	۲۶	اغلب کسانی را که می‌شناسم، تهدید کرده‌ام
۱	۲	۳	۴	۵	۲۷	اگر کسی خیلی دلچسب و مهربان باشد، شک می‌کنم که چه می‌خواهد
۱	۲	۳	۴	۵	۲۸	اتفاق افتاده که آن قدر عصبانی شده‌ام که دست به شکستن اشیای زده‌ام
۱	۲	۳	۴	۵	۲۹	من آدم خونسردی هستم

The relationship between parenting styles of parents and emotional intelligence and aggression among teenage girls

Maryam. Khosravi¹, & Jamal. Sadeghi*²

Abstract

Aim: This research aimed to determine the relationship between parenting styles and emotional intelligence and aggression among teenage girls. **Method:** The study was correlational and its statistical population included 1149 high school girl students in Amol city in the first semester of the academic year 2018-2019. In this population, 234 people were randomly selected and completed the questionnaires of Baumrind Parenting Styles (1973), Schutte Emotional Intelligence, and Buss–Perry Aggression Questionnaire (1992). The data were analyzed by Pearson analysis and multivariate regression using SPSS 21 software. **Results:** The findings indicated a relationship between the parenting style of parents and emotional intelligence and aggression among girls ($P = 0.01$). There is also a relationship between parenting styles and emotional intelligence. Also, there is a relationship between parenting style and aggression among girls ($P = 0.01$). **Conclusion:** The parenting style of parents can play both supportive and non-supportive roles, the use of which can impact the child's development and growth in the field of emotional intelligence and the emergence of aggression.

Keywords: Parenting Styles of Parents, Emotional Intelligence, Aggression

1. M.A of General Psychology, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran

2. **Corresponding Author:** Assistant Professor, Department of Psychology, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran

Email: Jamalsadeghi48@yahoo.com